

# امین با طرح شبکه های امپریالیستی کشور مارا به سنگه گاه بزرگ تبدیل نمود

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان یک عده از ژورنالستان داخلی و خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی در تالار عمارت چهلستون پذیرفته و در فضای کاملاً دموکراتیک و صمیمانه به سوالات آنها پاسخ دادند. در آغاز این مصاحبه ببرک کارمل ورود ژورنالستان خارجی را به کشور مهمان نواز افغانستان، خوش آمدید گفته افزودند:

۱۳۵۸، ۱۰، ۱۳

شما در شرایطی به افغانستان تشریف آوردید که مردم و کشور ما در یک وضع انقلابی حیات بسر می برند. طبیعاً شما از کشور های آمده اید که شرایط کار صلح آمیز در آنجا مستقر است . در کشور ما بنا بر تحریکات و تجاوزات قوای ارتجاع خارجی و امپریالیزم، خلق ما در وضع دفاع از شرف و ناموس کشور خود، دفاع از استقلال ملی خود، دفاع از حاکمیت ملی خود و دفاع از تمامیت ارضی خود قرار دارد.

شما در شرایطی به کشور ما آمده اید که در برابر افغانستان مستقل و آزاد، تمام قوای ارتجاع بین المللی، امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا، با تحریکات خود نوعی از جنگ صلیبی را علیه مردم ما و کشور ما تحریک می کند.

ولی من، به شما اطمینان کامل میدهم که خلق آزاده افغانستان با تمام شهامت و شجاعت در برابر تمام تحریکات و تجاوزات با کمک نیروهای مترقی جهان، در راس همسایه بزرگ و دوست سنتی و عنعنوی افغانستان، اتحاد شوروی شجاعانه مقاومت خواهد کرد.

تجارب تمامی تاریخ انقلاب های رهایی بخش خلق های جهان، بیانگر این حقیقت است که علی الرغم تمام خصوصیت ها و دشمنی ها، دشمنان آزادی و استقلال، دشمنان دموکراسی و ترقی، سر انجام محکوم به شکست اند .

در احوال و اوضاع همین دو دهه اخیر، نمونه های پیروزمندانه انقلاب های آزادی بخش خلقها در هند و چین ویتنام قهرمان، لاوس، کمپوچیا، یمن جنوبی، حبشه و انگولا همه بیانگر آنست که پیروزی جنبش های آزادی بخش یک اصل قانونمند پروسه تکامل بشریت است .

دوستان عزیز، در همین لحظات اخیر، بمن اطلاع دادند که یکعده از ژورنالست های کشور های دوست تشریف میاورند، اکنون شما میتوانید با آزادی تمام مغلق ترین و پیچیده ترین سوالاتی را که شما لازم می بینید طرح کنید. من در خدمت شما هستم، حتی آن سوال ها را مطرح بحث قرار بدهید، که اگر در اینجا یک ژورنالست یا نامه نگار کشور های امپریالیستی هم میبود، و به شکل تحریک آمیز میخواست از آن استفاده نماید، همان سوال را طرح کنید تا از این تریبون به تحریکات

آنها که امروز آقای **کارتز** میخواهد آنها دامن بزند، پاسخ داده باشم. من چند روز پیش شنیدم که بعضی از ژورنالست های کشورهای غربی، به افغانستان آمده اند و بعد درینجا خود آنها تعلق و بهانه تراشی را بوجود آوردند. و دوباره به اصطلاح فرار کرده اند، برای اینکه شاید نمیتوانستند و یا نمیخواستند در برابر حقیقت درخشان انقلاب پیروز مند کبیر ثور قرار بگیرند.

من از طریق شما ژورنالستهای شرافتمند، به تمام ژورنالستهای جهان و همچنان به تمام ژورنالستهای کشورهای امپریالیستی اعلام میدارم در هر حدودی که خواسته باشند و هر گونه سوالات تحریک آمیز و تفتین آمیز را که طرح نمایند، همیشه من حاضر از شرف و ناموس، از آزادی و استقلال افغانستان، به نمایندگی و به اراده خلق آزاده و دلیر افغانستان دفاع نمایم، در برابر سوال های شان پاسخ بدهم .

**سوال راپورتر آژانس باختر :** محترم کارمل صاحب ! لطفاً در باره تعداد زندانیان سیاسی، که در رژیم فاشیستی **امین** محبوس شده اند معلومات دهید ؟

**جواب :** یک سیاستمدار مسوول و شرافتمند وظیفه دارد که همیشه چیزی را که میگوید مطابق به حق و حقیقت باشد. روی همین ملحوظ، ما اولین روزنامه و اورگان دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را بنام «**حقیقت انقلاب ثور**» نام گذاشتیم. با این تعهدی در پیشگاه مردم خود و مردم جهان که جز حقیقت حرفی که جنبه تبلیغاتی داشته باشد نزنیم. تصادف عجیب است که با اعلان عفو عمومی زندانیان سیاسی، که چند روز قبل بمناسبت پانزدهمین سالگرد ح.د.خ.ا، اعلان شد منحیث وظیفه به مقامات مربوطه دولت دستور جدی داده شد که تمام لست زندانیان سیاسی را آماده بسازند. هم اکنون فرد موظف نزد من آمده بود، و اعلام داشت که آنها آماده ساخته اند. مسئله زندانیان سیاسی را ما باید منحیث مجموع تصنیف کنیم. نقشه و پلان **خائنانة حفیظ الله امین** که بنا بر اراده خلق افغانستان نام واقعی او را **میرغضب** و **سفاک** گذاشته اند یک واقعیت جان گداز و تلخ است. بنا بر دستور مستقیم **امین** و **امینیها ده ها هزار** تبعه افغانستان بزندان ها کشانیده شده و با شکنجه ها و فشار های وحشیانه و غیر انسانی به صورت کتلوی، به شیوه ها و میتود های **فاشیزم هتلری**، آنها را از بین بردند.

قراریکه من اطلاع گرفته ام، هزاران جسد ذریعه تراکتورها در پولیگونها مدفون گردیده اند، و تا هنوز هم اطلاعاتی بما میرسد که در بعضی جا ها شکنجه گاه ها و زندانهای مخفی هم وجود دارد که رفقای حزبی و موظفین دولت در جستجوی آن اند. از طریق این سوال شما به تمام هموطنان خود میرسانم که اگر چنین مراکز مخفی را پیدا نمودند فوراً به دولت اطلاع دهند.

متأسفانه زندانیانیکه با توطئه و دسیسه به دست **حفیظ الله امین** در بند کشیده شده بودند، اکثریت بزرگ و عظیم آن ترور شده و از بین رفته اند و به شکل فجیع و دسته جمعی اعدام و تیر باران شده اند.

طبق احصائیه تخمینی، هنگامیکه انقلاب کبیر ثور وارد مرحله نوین خود گشت به صورت عاجل به من بیش از چهار هزار زندانی سیاسی تنها از کابل گذارش دادند. در طی سه چهار روز گذشته در حدود دو هزار زندانی آزاد شدند، که اغلب آنها زندانیان سیاسی مربوط به ح.د.خ.ا. اند. اکنون لستی در حدود چهار هزار زندانی در دسترس است تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت میگیرد در ولایات کشور شاید، تعداد بیشتری از زندانیان سیاسی موجود باشد مگر باید به این اصل توجه کرد که ده ها هزار زندانی را به شکل دستجمعی قتل عام کرده اند .

**سوال خبرنگار روزنامه پراودا :** رفیق کارمل ! خلق افغانستان تحت رهبری ح.د.خ.ا. وارد مرحله جدید انقلاب شکوهمند ملی و دموکراتیک ثور گردیده خواهشمند است بفرمایند خصوصیات این مرحله جدید و اهداف حزب و حکومت جدید ح.د.ا. چیست ؟

**جواب :** امیدوارم که رفقای عزیز راجع به تاریخچه ح.د.خ.ا. راجع به اصل مرام ح.د.خ.ا. راجع به خط مشی یعنی مشی جاری و مشی عمومی یعنی مشی تکتیکی و ستراتیژی ح.د.خ.ا. آگاهی داشته باشند و همچنان امیدوار هستم که بعد از انقلاب پیروزمند و کبیر ثور، تا مرحله جدید از تمام جریانات دست آوردهای انقلاب کبیر ثور و از خطوط اساسی که شاد روان **نورمحمد تره کی** نخستین منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، نخستین رئیس شورای انقلابی ح.د.ا. و اولین صدراعظم ح.د.ا. در روزهای اول انقلاب ثور تحت عنوان خطوط اساسی وظایف انقلابی ح.د.ا. و یا به عبارۀ دیگر پروگرام دولت ح.د.ا. را ابلاغ کرد نزد شما روشن باشد. این سوال بجا است که مرحله جدید از لحاظ کرکتر و خصلت خود از لحاظ اهداف خود چه مشی و اصولی را تعقیب میکند .

دوستان آگاهی دارند که از لحاظ اصول اساسی انقلاب، انقلاب مراحل مختلفی را طی میکند. یعنی با به پیروزی رسیدن یک مرحله مرحله جدید انقلاب بوجود می آید. به عبارۀ دیگر پروسه تکامل اجتماعات بشری همیشه در یک روند پیشرونده و تکامل انقلابی است، هنگامیکه در یک جامعه، بر اساس اصول اساسی انقلاب تحولات انقلابی بوجود می آید یعنی قدرت حاکمه از دست یک طبقه به طبقه دیگر انتقال میکند، انقلاب وارد یک مرحله جدید میشود و تجربه انقلابها نشان داده که بعضاً مسیر انقلابها که البته هدف من بیشتر انقلابهای آزادیبخش ملی و اجتماعی است، بنا بر پاره اشتباهات و یا نفوذ عناصر دشمن، موقتاً ممکن است سمت و یا جهت انحرافی را به خود بگیرد. که متأسفانه در کشور ما نیز، بنا بر نفوذ اجنت امپریالیزم در وجود **امین** و **امینیه** موقتاً انقلاب پیروزمند ثور از صراط المستقیم و یا از مسیر اصولی خود انحراف کرد تا سرحدی که اگر به هنگام بنا بر اراده مردم افغانستان و به کمک اردوی آزادی بخش افغانستان، تحت رهبری ح.د.خ.ا. ما وارد مرحله نوین انقلاب نمیشدیم و دار و دسته **امین** و **امینیه** واژگون نمیشد فاجعه بزرگی نه تنها در کشور ما افغانستان بلکه در منطقه و حتی قاره آسیا رخ میداد .

بدین جهت، اولین هدف مرحله جدید عبارت از این است که ما دوباره انقلاب کبیر ثور را، بر پایه های اصول انقلاب استوار سازیم تا اشتباهات و گمراهی ها تصحیح شود و انقلاب مسیر و جهت اصولی

خود را باز یابد. اصل اساسی مرحله جدید به تاکید و تاکید مصرا نه اعلام میشود که، آزادی واقعی مردم افغانستان است یعنی نجات مردم افغانستان از تمام ظلم و ستم و مصائب که **باند امین** بنا بر نقشه و پلان و توطئه شبکه کار جاسوسی امپریالیستی می خواستند بر مردم افغانستان تحمیل کنند و کشور ما را به یک شکنجه گاه بزرگ تبدیل نمایند. هدف مرحله نوین اینست که تا حدود امکانات، مردم افغانستان با مصوونیت و امنیت از آزادی های وسیع دموکراتیک، اعم از آزادی گفتار، بیان، اجتماعات، آزادی احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی و سازمانهای توده یی و غیره برخوردار شوند و هر تبعه افغان، در شرایط صلح آمیز بکار صلح آمیز مشغول شوند. احساس آزادی، احساس مصوونیت، احساس آرامش معنوی و خوشبختی در خانه خود و کشور خود داشته باشند. این اصل عمده است .

توجه سوال کننده را به این امر معطوف میسازم که طی روز های اخیر به تفصیل از طریق رادیو افغانستان، تلویزیون و ارگان دولتی ج.د.ا یعنی روزنامه «**حقیقت انقلاب ثور**»، وسیعاً انتشار یافته است .

بنا بر کمی وقت توضیح مفصل آن امکان مصاحبه و سوال را به دیگر دوستان و رفقای دیگر که اینجا حاضرند محدود میسازد.

**سوال ژورنالیست جمهوری دموکراتیک آلمان :** من بار اول نیست، که به افغانستان آمده ام، من با اوضاع افغانستان از مدت ها و از آغاز انقلاب ثور تماس نزدیک داشته ام. بنا بر ان سوالی که میکنم تا حدی ارتباط به سوال قبلی دارد.

**میخواهم از شما بپرسم :** آیا در مورد فرامین شماره ۶-۷-۸ یعنی توزیع دموکراتیک زمین فرمان مربوط به تساوی حقوق زنان و فرامین مربوط به الغای سود و سلم و گروهی چه تجاوزی اتخاذ شده است .

آیا در مورد فرامین شورای انقلابی سابق چه خواهد شد و همچنان میخواهم بپرسم که در مورد قانون اساسی جدید نظر شما چیست ؟

**جواب :** راجع به سه فرمانیکه شما اظهار داشتید باید بگویم که من شخصاً در طرح و مسوده مقدماتی آن هنگامیکه به حیث معاون شورای انقلابی ج.د.ا و معاون صدراعظم اجرای وظیفه می کردم، شرکت داشتم . بعداً بنا بر توطئه خائنه **امین** و **امینیه** بحرانی در داخل حزب و دولت رخ داد و نظر به اطاعت اصول حزبی برای مدتی بحیث سفیر در چکوسلواکیا موظف شدم . تا جای ممکن سعی کردم، که از جریانات تطبیق این سه فرمان اطلاعات بدست بیاورم. من حیث مجموع این سه فرمان به مثابه دست آورد های انقلاب کبیر ثور، گامی بود مثبت بخصوص در سرکوبی مناسبات فیودالی در افغانستان. حقیقت امر انست که در زمینه این سه فرمان گامهای عملی هم برداشته شد که مورد تأیید و پشتیبانی مرحله دوم انقلاب ثور نیز است، **لیکن متأسفانه** بنا بر نقشه های توطئه آمیز شبکه های جاسوسی و خرابکارانه قوای ارتجاع منطقه و امپریالیزم، در راس امپریالیزم امریکا، برای جلوگیری از تطبیق درست و صحیح این سه فرمان، بعضی انحرافات رخ داد و همچنین از شرایط عقب مانده

جامعه دشمنان خلق افغانستان سوء استفاده کردند و برای دولت انقلابی بخصوص در هنگام زعامت شاد روان **نور محمد تره کی** سعی کردند تا نیروهای ارتجاعی را تحریک نمایند. این مسئله، به تمام جهانیان معلوم است که از خارج مرزها، دشمن با سلاح تبلیغاتی و نظامی مانع تطبیق کامل و اصولی این سه فرمان شد. اکنون در مرحله جدید وظیفه حزب و دولت این خواهد بود که با در نظرداشت اشتباهات گذشته، با در نظرداشت شرایط مشخص افغانستان با در نظرداشت پلانهای توطئه آمیزی، که از جانب دشمن رویدست است پروسه تطبیق این سه فرمان را تعقیب کند .

تکراراً تصریح میکنم که علی الرغم دشواری ها و مشکلاتی که در برابر جنبش انقلابی افغانستان و در راه تحول انقلابی افغانستان از طرف دشمنان خلق افغانستان از خارج مرزها به کمک عمال داخلی آنها صورت میگیرد ما اطمینان داریم که در اصلاحات دموکراتیک ضد فیودالی این سه فرمان سلاح موثر است برای نابودی فیودالیزم، ما در ساحه تطبیق آن اقدامات موثر بعمل می آوریم .

راجع به قانون اساسی جدید افغانستان، طوریکه قبلاً خاطر نشان ساختیم به اساس اصول مرام حزب بر اساس خط مشی سیاسی، مرحله اول انقلاب شکوهمند ثور و به اساس پروگرام و خط مشی مرحله دوم و یا مرحله نوین انقلاب پیروز مند ثور، قانون اساسی جدید افغانستان مطابق به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان به صورت قطع یک قانون اساسی دموکراتیک و مترقی خواهد بود، درین قانون اساسی علی الرغم ادعاها، تحریکات، تفتین و خرابکاری ارتجاع منطقه و تفتین و تحریکات ارتجاع بین المللی، یعنی امپریالیزم، اصول ذیل رعایت میشود :

- برخورد اصولی و احترام در برابر دین مقدس اسلام، این شرط اساسی قانون اساسی جدید ماست.

- احترام در برابر کانون خانواده .

- رعایت اصل ملکیت شخصی.

- تامین تمام حقوق دموکراتیک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای خلق افغانستان قانون اساسی جدید افغانستان با در نظرداشت استحکام بیشتر پیوند های برادرانه ملیتهای افغانستان با در نظرداشت تجارب کشور های مترقی جهان مساله اقوام و ملیت ها را از لحاظ شکل و مضمون خود در افغانستان بصورت دموکراتیک در نظر خواهد گرفت. و به این معنی که تمام خلقهای افغانستان، تمام ملیت های افغانستان پیروان تمام مذاهب بخصوص دو مذهب عمده دین مقدس اسلام سنی و شیعه از آزادی کامل برخوردار خواهند بود.

همچنین مسایل کوچی و قبایل به شکل دموکراتیک حل خواهد شد. هر تبعه افغانستان در کشور خود خود را آزاد، مستقل، مطمئن و مصئون احساس کند و از تمام حقوق بشری و حقوق دموکراتیک برخوردار باشد البته توضیح تمام اصول یک قانون اساسی، وقت زیادی را در بر میگیرد، وقتی میگوییم مترقی و دموکراتیک برای دوستان ژورنالست ما معلوم است که هدف ما چه و مطابق به کدام اصول است .

اگر منظور اصلی شما خاص در جهت مرفی و دموکراتیک بخصوص در مسایل سازمان دولتی، سازمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، بصورت مشخص سوال تانرا طرح کنید تا به تفصیل بجواب آن پرداخته شود .

### سوال نماینده آژانس تاس شوروی :

رفیق کارمل ! طوریکه حقایق نشان میدهد دشمنان انقلاب افغانستان دست از دسایس خود علیه خلق افغانستان بر نمی دارند، آیا شما میتوانید راجع به طرزالعمل و میتود های که قوای ضد انقلابی و حامیان خارجی آن درین مرحله به کار میبرد توضیحات بدهید ؟

### جواب :

جواب سوال شما بسیار روشن است . انقلاب های اجتماعی در مراحل مختلف تاریخی و در کشور های مختلف و به اشکال مختلف به پیروزی میرسند .

امروز مخصوصاً بر علیه مرحله جدید انقلاب نجات بخش ما به سر دمداری امپریالیزم امریکا یک جنگ تحریک آمیز صلیبی در جریان است، با جمله معترضه عرض کنم که زمامداران بی مسئولیت امریکا تاریخ قیام های کشور های خودرا فراموش کرده اند در جنگ استقلال امریکا که **جارج واشنگتن** در راس آن قرار داشت کی در برابر استقلال امریکا قرار گرفت . همینطور در بسیاری از کشور های غربی در انقلاب های انگلستان و فرانسه این مساله را میتوان تا تاریخ معاصر انقلابی که سرنوشت بشر را بصورت انقلابی و اساسی تغییر داد و جهان وارد مرحله نوین شد، یعنی تا پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر، مورد مطالعه قرار داد. شما بهتر میدانید، که در آن هنگام تمام قوای ارتجاعی و امپریالیستی، در یک جبهه نامقدس ۱۴ کشور تجاوز کار، در برابر انقلاب کبیر اکتوبر مقاومت میکردند به همین ترتیب بعد از جنگ عمومی دوم، جنبش های آزادی بخش ملی به همین سرنوشت مواجه بودند .

همیشه، هنگامیکه در یک نقطه از جهان، توده ها بیدار میشود و پرچم انقلاب آزادی بخش را بلند میکنند، شما می بینید که سر و گوش امپریالیزم امریکا در آنجا ظاهر میشود. آزادی در امریکا به مجسمه تبدیل شده است شیوه های برخورد های غیر انسانی و غیر بشری و فجایع امپریالیستهای امریکایی را در ویتنام قهرمان بشریت هرگز فراموش نمی کند .

به صراحت برای دوستان خاطر نشان میسازم، که خلق افغانستان با غرور و سر بلندی امروز مواجه با همین دشمنان ضد انقلاب است. این از ماهیت و خصلت نظام امپریالیستی و سیاست تجاوزکارانه و مداخله گرانه آن، ناشی میشود.

جای تاسف اینست، که علی الرغم اینکه ما در مشی مرحله جدید خود دوستی و حسن همجواری به پاکستان، ایران و چین دراز کردیم و هنوز آنرا ادامه میدهیم و تمام تدابیر دیگر را نیز اتخاذ خواهیم کرد، آنها به روش خود ادامه میدهند. نه تنها بعد از انقلاب کبیر ثور، دشمنان و محافل

مرتجع خارج مرزها، در برابر افغانستان و پیشرفت آن موانع ایجاد کرده اند، بلکه در گذشته نیز چنین بوده است .

هنگامیکه پای استعمار انگلیس، در نیم قاره هند گذاشته میشود، تا به امروز خلق افغانستان به دشمنی قوای استعمار مواجه بوده است. در قرن بیستم، امپریالیزم بشکل دیگر با خلق کشور ما مواجه شد، که به خصوص بعد از پیروزی انقلاب کبیر ثور به اوج خود رسید. ژورنالیستهای غربی، خود هنگامیکه در پاکستان آمدند، ده ها سند را در مطبوعات خود کشورهای غربی افشا کردند. همین چند روز قبل، در منابع غربی که آژانس باختر اطلاع آنرا رسانیده یکتن از ژورنالیستان اعتراف کرده که حتی نمایندگان جراید همراه با جنگجویان، که ما آنها را اشرار می نامیم، در جبهات رفته و دوباره به پاکستان برگشته اند آنها صریح و واضح نوشته اند که در پاکستان، پایگاه های وسیع متشکل و کمپ های نظامی که خود منابع غرب آنرا افشا نموده وجود دارند .

ما تمام ژورنالیست های غربی را متهم به مزدوری دالر و پوند و کلدار نه می کنیم در غرب هم ژورنالیستهایی هستند، که شرافت ژورنالیستی خود را احترام و رعایت نموده و حقایق را افشاء می نمایند . آنها خود افشا گری نموده اند . جای این نیست که من بخواهم اسناد ارائه نمایم، بصورت واضح در پاکستان مراکز تجاوز هر روز و هر لحظه علیه افغانستان سازمان داده میشود معلمین نظامی دارند و کماندوها را علیه ما تربیه میکنند . بشما بهتر معلوم است، که بین افغانستان و آنطرفیکه پشتونها و بلوچها زندگی میکنند، بنا بر سوابق تاریخی اصلاً مرزی وجود ندارد، مرز بازااست. تا به امروز این مساله حل نشده است افرادی از طرف دولت افغانستان دستگیر شده اند و ثابت شده که آنها اتباع خارجی بودند، و مسلحانه به خاک ما تجاوز کرده و خود ژورنالیست های غربی اظهار داشته اند که به میلیونها دالر سلاح از خارج کشور داخل افغانستان میشود .

من به تبلیغات زهراگین آنها تعجب و تاسف میکنم.

تمام شواهد و حقایق تلخ نشان میدهد که قوای ارتجاع منطقه از خارج مرز به تحریک امپریالیستها در داخل افغانستان عملاً تجاوز میکنند و داد و فریاد های دروغین به راه می اندازند. در بین شهریان کابل معمول است که می گویند بعضی اشخاص وقتی در بین جمع غفیر مردم کیسه بری کرد، خود میدود و فریاد می زند که کیسه بر را بگیرید. اکنون که افغانستان میخواهد در راه تامین حقوق انسانی، گام بگذارد امپریالیزم امریکا که سرا پایش الوده با خون بشریت است بر اساس منابع انحصارات بزرگ و سلاطین دالر، در ارتباط به وابستگان طبقاتی جهانی خود، در دیگر کشورها، صف واحدی را تشکیل داده و با تمام وسایل به تحریک و تبلیغات دروغین و زهراگین تفرقه افگانه در بین اقوام و ملیتهای کشور ما می پردازد و دشمنان افغانستان را با سلاح مدرن و پرسونل نظامی مجهز ساخته و داخل افغانستان می نمایند و کوشش میکنند تا با تمام وسایل جلو پیشرفت ترقی و اصلاحات دموکراتیک را در افغانستان بگیرند.

## سوال خبرنگار آژانس باختر :

اگر انقلاب پیروز مند ثور وارد مرحله نوین نمیشد و دستگاه شکنجه دهنده و خونین **حفیظ الله امین** و **امینیها** سرنگون، واژگون و سرکوب نمیشد و درهم نمی شکست، چه قضیه در افغانستان رخ میداد ؟

## جواب :

در ارتباط به سوال شما، باید خاطر نشان بسازم وقتی که من در خارج کشور بودم، با تاسف اطلاع رسید که رهبر عزیز خلق و دولت افغانستان مرحوم **نور محمد تره کی** بنا بر توطئه خاینانه و ردیلانه **حفیظ الله امین** شهید شدند این فاجعه و این نوع توطئه روح شیطانی، در تاریخ بشریت چند نمونه خاصی دارد یکی دو نمونه آن در آثار کلاسیک ادبی شکسپیر هم انعکاس یافته، اسناد فراوان وجود دارد، بیانیه های فراوانی وجود دارد که **حفیظ الله امین** به مثابه یک ابلیس، چگونه از حسن نیت و شرافت رفیق **تره کی** سو استفاده میکرد. از یک سو او را به حیث **معلم بزرگ** و **رهبر کبیر** خود و غیره و غیره که در مطبوعات افغانستان انتشار یافته، و شما فراوان شنیده اید، یاد می کرد و از سوی دیگر این **شاگرد** نا خلف در برابر **استاد** و **معلم بزرگ** خود، دست به یک **خیانت عظیم تاریخی** می زند، اینرا فقط نویسندگان توانا می توانند که به مثابه یک **شهکار**، تصنیف کنند، ازین **نقطه** شما میتوانید آهسته آهسته **سر نخ** را بدست آرید، و آنرا به اینجا بکشانید که ارتجاع بین المللی و امپریالیزم بنا بر دست داشت میلیارد ها دالر از خون زحمت کشان کشور خود و زحمتکشان جهان و با دستگاه های وسیع و تخنیک بسیار پیچیده تکتیک های متعدد در برابر انقلاب ها از شیوه ها و تکتیک های متعدد استفاده میکنند یکی از این شیوه ها و تکتیک ها اینست که **چطور ایجت خود را در جنبش نفوذ میدهد، و حتی در راس رهبری انقلاب او را میرساند.** ما در انقلاب های آزادیبخش جهان، چنین نمونه هایی دیده میتوانیم، **حفیظ الله امین** از جمله همین قیافه های نادر شیطانی تاریخ است خود این موضوع برای محققین یکی از سوژه ها و موضوعات دلچسپ خواهد بود. حزب و دولت ما سعی میکند که تجربه انقلاب های جهان را عمیقاً مورد مطالعه قرار دهد نمونه های جدیدی از فعالیت های محیلانه سی-آی-ای را افشاء کند.

راجع به سوابق **حفیظ الله امین** سوالی صورت نگرفته، شاید در موقعش دیگر ژورنالستها این سوال را مطرح بسازند. من میتوانم بگویم که تا حدودی متخصص شناخت وی هستم و با او از قدیم آشنایی دارم و می شناسم در زمانیکه من محصل بودم و در جنبش محصلی او شناخته شده بود لیکن این چه نیروی بوده که علی الرغم شناختی که از وی وجود داشت، او به موجودیت سیاسی خود ادامه می دهد ؟ این یک سوژه بسیار دلچسپ است نقشه ما چرا بصورت فوری و عاجل تسریع شد، پلان



سرنگونی وی را که البته این هم مربوط سوال شما نیست لیکن اگر سوال صورت بگیرد من آنرا توضیح خواهم کرد که چرا تسریع شد. بنا بر شناختی که ما از وی داشتیم، بنا بر شواهد و دلایلی که در دست بود، بنا بر تمام ظلم و ستم و تفتین و توطئه و دسایس نقشه های محیلانه ای که در بین خلق افغانستان در داخل حزب، در داخل اردوی آزادی بخش افغانستان در داخل ج.د.ا او پیاده میکرد، گام به گام قدم به قدم ما همه آنرا مطالعه میکردیم تجزیه و تحلیل مینمودیم، آخرین اطلاعات و کشف چیزی بود که بصورت مشخص پاسخگوی سوال شماست. **امین** با شبکه های دقیقش با سیاه (سی. آی. ای یعنی سازمان جاسوسی امریکا) مشترکاً در تباری و طرح توطئه بود. او ظاهراً خود را زیر ماسک اصطلاحات و ترمینولوژی انقلابی چون مارکسیزم- لنینیسم، سوسیالیسم و کمونیسم می پوشاند، او بصورت یک اکلکتیست مفاهیم و اصطلاحات را نادرست و توطئه گرانه گلچین میکرد و تبلیغ می کرد به این ترتیب به رموزات استبداد وحشتناک خود اندیشه های مترقی، آزادی ترقی پیشرفت، دموکراسی و غیره و غیره را بدنام سازد او از شیوه های ترور و اختناق و استبداد سیاه، سیاه و زراد خانه فاشیسم هتلری و دیگر زرادخانه های ستمگری استفاده میکرد و به شکل یک عوامفریب بسیار محیل وحشتناک در خفا با ارتباطات عمیقیکه با شبکه سی. آی. ای داشت، با پیوند های که وی به تمام کشور های امپریالیستی در راس آن امپریالیسم امریکا و همچنان با شبکه های جاسوسی و یا محافل مرتجع منطقه داشت درین پلان بود تا تمام اندیشه های مترقی و جنبش دموکراتیک و ملی را در افغانستان بدنام سازد، با کشتار دستجمعی و شکنجه، ظلم و استبداد، دروغ خیانت و جعل به مشی خود ادامه میداد. او شرف هزار ها خانواده مردم کشور را غارت کرد جای بسیار تعجب است که آقای **کارتز** اساس شعار پلات فورم خود را هیومن رایت یعنی حقوق بشر قرار داده ولی در مقابل تمام این فجایع که از طرف ایجنت وی صورت میگرفت مهر سکوت بر لب داشت لیکن امروز که چلو صافش به اصطلاح وطنی ما از آب بیرون می آید، دچار یک روح هستریک گردیده است، نقشه آنها تجزیه افغانستان بود ما اینرا ثابت خواهیم کرد، آنها میخواستند افغانستان را تجزیه و تحت نفوذ کشور ها و یا محافل ارتجاعی منطقه و امپریالیسم، قرار بدهند آزادی، استقلال و حاکمیت ملی افغانستان را از میان بردارند. همه این حقایق برای ما معلوم بود، حقایقی وجود دارد که **حفیظ الله امین** میگفت نصف نفوس افغانستان کشته میشود و از بین میرود. اگر هم افغانستان تجزیه شود من قدرت خود را در افغانستان بر قرار میسازم. این اختصاری از سیاهه فجایع زیاد و طومار سیاه اوست حتی وقتی شما از من سوال میکنید، من نمیتوانم بفهمم که از کجا باید شروع کنم.

## سوال ژورنالیست رادیو تلویزیون شوروی :

در امریکا و سایر کشورهای ناتو، تبلیغات و فعالیتهای شدید ضد شوروی و ضد افغانی آغاز گردیده است. شما در این مورد چه میگویید ؟

**جواب :** فکر میکنم در جوابهای که به سوالات دوستان و رفقا قبلاً داده شد بسیار مطالب سوال شما روشن شده باشد. این خصلت و ماهیت امپریالیزم است. غیر از همین شیوه تحریکات و تفتین و تجاوز اصلاً سیستم و نظام آن، طور دیگری اندیشیده نمیتواند. خصوصیت دستگاه های غول پیکر انحصارات امریکا و مونوپولیزم امریکا است. حوادث تاریخ نشان میدهد که آنها باید در برابر جنبش های انقلابی قد علم کنند. ولی کدام نیروئی است که در برابر ارتجاع بین المللی، شرافتمندانه می رزمند ؟ این هم یک مساله بدیهی و بی نیاز از اثبات است این مساله را بشریت مترقی در عقل و وجدان خود درک میکند، و تشخیص میدهد که این اتحاد شوروی است که بعد از انقلاب اکتوبر، بخصوص در جریان مبارزه علیه فاشیزم هتلری، حقیقت درخشان خود را به اثبات رسانید. در هر جایکه ظلم و ستم بیداد می کند اتحاد شوروی علیه ظلم و استبداد در دفاع از جنبش های آزادی بخش ملی همیشه با کمکهای مادی و معنوی خود حاضر بوده است. حتی اگر اتحاد شوروی در آنجا به صورت مشخص هم داخل عرصه نبوده موجودیت خود اتحاد شوروی نیروی سیستم اقتصادی و اجتماعی آن و قدرت دفاع آن، تشبثات امپریالیزم را محدود ساخته و عقب زده است به این جهت، همیشه این خصوصیت امپریالیستهاست که بهانه هایی را پیش می کنند تا همین موقف و سیاست صلح آمیز اتحاد شوروی را خدشه دار سازند. امروز به همگان معلوم است که ماهیت سیاست اتحاد شوروی را مساله پشتیبانی از جنبشهای آزادی بخش ملی خلقهای جهان، پشتیبانی از استقلال ملی کشورها، پشتیبانی از صلح، پشتیبانی از خلع سلاح، پشتیبانی از دیتانت و تشنج زدایی تشکیل میدهد. خصلت امپریالیزم خصلت و منافع مونوپولیزم و انحصارات غرب، عموماً و خاصتاً در راس آن امریکا، در چه است که بسان حیوانی تشنه به خون همیشه به سیاست جنگ افروزی می پردازد و همیشه تشنج ایجاد میکند آنها میخواهند با به استعمار کشیدن و استثمار خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین منافع غارتگرانه خود را تامین نمایند. این اژدها به خون احتیاج دارد و هنگامیکه تشنه میشود مانند افسانه های قدیم باید قربانی خود را به چنگ بیاورد ازین رو است که امروز افسانه جدیدی را در مورد افغانستان تبلیغ میکند که گویا اتحاد شوروی مخالف اصول یا منشور ملل متحد در امور داخلی افغانستان مداخله نموده. در برابر یک حقیقت روشن چنین یک دروغ و جعل تعجب آور است. همان حرف **ابراهام لینکلن**، یکی از روسای جمهوری امریکا را به خاطر دارم که میگوید : «ممکن است برخی را موقتاً فریب داد، لیکن نمی توان همه را برای همیشه فریب داد». ممکن است این تحریکات امریکا، موقتاً یکعده کشورهایی را که یا وابسته اند یا در گمراهی و انحراف دچار اند و یا منافع مشترکی با امپریالیزم دارند، یا در یک جبهه نامقدس منافع واحدی دارند تحریک کند، لیکن فردا حقیقت روشن میشود شما خواهید دید، که با این شیوه

رسوا امریکا بار دیگر با یک شکست فجیع و رسوا مواجه خواهد شد. در ارتباط به مساله این افسانه مداخله آنها در باره شخص من تبلیغات زهراگین خود را براه انداخته اند تعجب آور است مگر در افغانستان در طی حیات سیاسی که من داشتم، آنها هیچ دستگاه نداشتند؟ هیچ سفیری نداشتند؟ مگر از تاریخچه ح.د.خ.ا آگاهی ندارند؟ از اینکه من هشت سال در پارلمان نماینده شهر کابل بودم بی اطلاع اند؟ اندیشه و نظریات ما در آن زمان برای آنها معلوم نبود؟ مگر از حقیقت انقلاب ثور می خواهند انکار بکنند؟ مگر من معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم بعد از انقلاب ثور نبودم؟ مگر من یک مدت منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بعداً منشی نبودم؟ و بالاخره سفیر نبودم؟ این سخنان آنها به این مفهوم است که گویا من یک شخصی مصنوعی و مجهول الهویه بوده، و طوری که آنها تبلیغ میکنند، صادر شده ام. خلق افغانستان تمام رهبران حزبی و دولتی را که در روزنامه حقیقت انقلاب ثور، فوتوهای شان به نشر رسیده، بخوبی می شناسند اکنون نیز همان پروسه انقلاب ثور جریان دارد. حوادث چند ماه گذشته صرف یک اختلاف و بحران درونی حزب بود که **حفیظ الله امین**، جاسوس امریکا، حزب و دولت ما را به بحران مواجه ساخت این جریان بصورت مستقلانه به واسطه اراده اکثریت و قاطعیت خود حزب، وارد مرحله دوم شد. کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی، کمکهای نظامی اتحاد شوروی یک مساله تازه نیست این کمک بر اساس اراده مردم افغانستان کاملاً قانونیت دارد. در لویه جرگه ۱۳۳۴ در هنگام صدارت محمد داود بنا بر اختلافی که بین افغانستان و پاکستان بوجود آمد، مردم افغانستان و حتی روحانیون محترم افغانستان، به همان شکلی عنعنوی تصویب کردند که افغانستان برای حفظ استقلال تمامیت ارضی، و پیشبرد مسایل ملی خود حق دارد از هر کشوری که بخواهد، کمک بگیرد و کمک نظامی بخواهد. این مساله در پارلمان های بعدی، نیز تصویب شد. و مساله کمک نظامی اتحاد شوروی یک مساله تازه نیست. در دوران زمامداری شاه مخلوع، محمد ظاهر نیز ادامه داشت و مشاورین اتحاد شوروی در همان دوره در افغانستان موجود بود.

در زمان دموکراسی و آزادی نسبی و نیم بند به اصطلاح جمهوری داود، همیشه این کمک ها وجود داشته اند، و بعد از انقلاب کبیر ثور با معاهده ای که در دسامبر ۱۹۷۸، عقد و در ملل متحد ثبت و درج شده و با ماده ۵۱ منشور ملل متحد مطابقت دارد، این کمکها بشکل بیشتری ادامه پیدا کرده اند، پیش از اینکه ما وارد مرحله دوم انقلاب شویم، یعنی قبل از وارد شدن به مرحله دوم، این کمکها جلب شده بود اگر شما رادیوهای کشورهای غربی، رادیوی صدای امریکا، بی بی سی را شنیده باشید، اخبار و جراید را مطالعه کرده باشید خود آنها ادعا میکردند که در تمام افغانستان اشرار به فعالیت می پردازند، از طرف دیگر تمام منابع امپریالیستی اینرا افشاء کردند که پایگاه اشرار در خارج مرز های

افغانستان یعنی در پاکستان موجود است، بر اساس اراده خود مردم افغانستان و قدرت اردوی افغانستان، انقلاب ما وارد مرحله دوم خود شد.

هیچ دلیلی در دست نیست که امریکا اجازه بر پا کردن این سر و صدا را به خود بدهد. لذا پاسخ من بشما همین است که خصلت حیوانی خونخوارانه امپریالیزم همین است. و تا هنگامیکه امپریالیزم در جهان وجود دارد، خلق افغانستان به صورت قاطع در یک جبهه و سیع با دیگر خلقهای جهان، علیه امپریالیزم مبارزه میکند. خلق ما یک گام عقب نمیرود و پیروزی خلق افغانستان پیروزی انقلاب کبیر ثور است.

### **سوال نامه نگار روزنامه ایزوستیا :**

اشکاراست که شصت سال روابط بین اتحاد شوروی و افغانستان، با روحیه دوستی و حسن همجواری ادامه داشته نظر شما در انکشاف روابط بین دو کشور چیست ؟

**جواب :** به تایید نظر شما، روابط دوستانه میان افغانستان و اتحاد شوروی امروز به صورت یک عنعنه و سنت ملی ما درآمده است و یکی از درخشانترین روابط از لحاظ روابط بین المللی است. مردم افغانستان و اتحاد شوروی طی شصت سال بخصوص بعد از استقلال افغانستان، و بعد از انقلاب کبیر اکتوبر، همیشه از یک دوستی بی شائبه متقابل برخوردار بودند. دوستی خلقهای افغان و شوروی در طی ۶۰ سال خود نمونه ای پر ارزش و با اهمیت در جهان است، که یک دولت بزرگ، مانند دولت اتحاد شوروی، که از لحاظ ساحه خاک وسیع و بی نیاز است و میتواند ملیارد ها انسان را تغذی کند کشور بزرگی که از لحاظ منابع مادی زیر زمینی بیکران است کشور بزرگ که از لحاظ ساینس و تکنالوژی از لحاظ پرسونل و نیروی انسانی در سطح عالی قرار دارد، هیچ نیازی ندارد تا بر علیه افغانستان که به تناسب اتحاد شوروی کشوری کوچک از نظر ساحه و نیروی انسانی، و لی کشوریست مستقل آزاد مبارز و قهرمان قرار بگیرد.

روابط ما همیشه فوق العاده دوستانه بی شائبه و با رعایت و احترام بوده است نه تنها اینجانب بلکه با جرات گفته میتوانم که اکثریت خلق افغانستان، اکثریت طبقات و اقشار ملی و دموکراتیک و مترقی افغانستان، بنا بر خصلت و کرکتر با پاس و جوانمردانه ایکه سنن ملی خلق افغانستان، همیشه در برابر دوستی با اتحاد شوروی معتقد و صادق میباشند. معذرت میخواهم از اینکه به توضیح یک مسئله تاریخی میپردازم وقتی به تاریخ افغانستان مراجعه کنیم موقعیت افغانستان از لحاظ تاریخی و سیاسی طوری بود که امپراطوری استعماری قرن (۱۹) انگلیس همیشه به حیث یک نیروی متجاوز تا سال ۱۹۱۹ در برابر افغانستان قرار داشت. زمامداران آنوقت افغانستان، علی الرغم خصلت های فیودالی خود، برای حفظ استقلال افغانستان سعی و تلاش میکردند که مناسبات خوبی حتی با روسیه تزاری داشته باشند، که نمونه های آن **دوست محمد خان، امیر شیر علیخان** و بعد از استقلال **امان الله خان** میباشد بعد از انقلاب، این روابط به سطح حد اعلائی دوستانه خود رسید. اسناد و شواهدی فراوان وجود دارد که اتحاد شوروی در کنفرانس های بین المللی، در تمام شئون و جهات

همیشه در کنار خلق افغانستان قرار داشته و همیشه از استقلال افغانستان دفاع کرده است. با این گذشته تاریخی، با این حقایق مشهود، با این کمک های اقتصادی، اجتماعی، تخنیکی، فرهنگی اتحاد شوروی با افغانستان گمان می کنم سوال پاسخ روشن دارد که دورنمای دوستی افغان و شوروی خلل نا پذیر و خدشه نا پذیر است و از یک پیروزی به پیروزی دیگر موج به موج، به طرف تکامل و استحکام خود پیش می رود.

**سوال نماینده رادیو تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان :** به اجازه محترم بیرک کارمل، به نمایندگی از رادیو تلویزیون ج.د.ا، می خواهیم در مورد سرنوشت اعضای کمیته مرکزی شورای انقلابی و شورای وزیران حکومت **امین** بپرسیم که در چه موقف قرار دارند ؟

**جواب :** هم اکنون یک سند تحریری با خود دارم که در زمان مقتضی در جراید نشر خواهد شد و هم ممکن است آنهایی را که شما نام بردید، خود شان مصاحبه هایی بعمل آورند. آنها عام و تام از مرحله نوین تکامل انقلاب، نه تنها به صورت قاطع پشتیبانی کرده اند بلکه به شدت بنام رژیم فاشیستی باند **امین** و **امینی ها** حتی از خود انتقاد کرده اند. و آنرا بی امان کوبیده اند طوریکه بمناسبت پانزده همین سالگرد تاسیس ج.د.خ.ا، از طرف اینجانب اعلام شد، به استثنای یکعه انگشت شمار و محدود که در تمام توطئه ها و دسایس جنایتکارانه و تبهکارانه باند **امین** و **امینی ها**، شرکت داشتند در برابر دیگران بر اساس پروگرام و بیانیه های مطروحه رفتار خواهد شد.

**سوال نماینده آژانس جمهوری دموکراتیک آلمان :** طوریکه شما میدانید، دستگاه قیادت و رهبری حزب و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان، پیوند و همبستگی پیکارجویانه خود را با مرحله نوین تکامل انقلاب افغانستان اظهار کرده اند، تبصره شما در این مورد چیست ؟

**جواب :** فکر می کنم که این مساله لازم به تبصره نباشد. مناسبات دو کشوری که هر دو معتقد به صلح در جهان، معتقد به استقلال ملی کشورها و آزادی خلق ها هستند، و پشتیبان ترقی میباشند، و در هر جا علیه ظلم و ستم می رزمند و هر دو برای خلقهای خود یک جامعه مترقی و مرفه میخواهند، و هر دو دشمن ارتجاع و امپریالیزم هستند، هر دو دشمن استعمار کهن و نوین هستند و هر دو دشمن فاشیزم، راسیزم، اپارتاید، صهیونیزم هستند و در هر نقطه جهان از جنبش های آزادی بخش ملی و اجتماعی پشتیبانی میکنند پس خود شما بگوئید که مناسبات ما چگونه میتواند، جز مناسبات دو رفیق، دو برادر دو دوست در یک سنگر وسیع جهانی علیه دشمنان صلح، ترقی و آزادی باشد.

**سوال نماینده آژانس باختر :** رفیق کارمل شما در بیانیه تاریخی تان از جبهه وسیع ملی پدروطن یاد کرده اید، در این مورد کمی توضیحات بدهید ؟

**جواب :** یکبار دیگر در باره سوال شما راجع به جبهه وسیع ملی پدروطن به صراحت جواب میدهم، که ما نه تنها این اصل را امروز اعلان کرده ایم، بلکه یکی از اصول اساسی مرام سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده است در مرحله نوین ما به مردم وطن خود تعهد سپردیم و تعهد میسپاریم چیزی را که میگوییم آنرا عمل میکنیم. بر اساس همین سه اصل اخلاقی، تاریخی ما پندار

نیک گفتار نیک، کردار نیک چیزی را که می اندیشیم، به آن معتقد میباشیم، چیزی را که میگوئیم، به آن اعتقاد داریم، چیزی را که عملی میکنیم مطمئن هستیم لذا شرایط و زمینه های این جبهه آماده خواهد شد. البته در هر شرایط، در هر جامعه و در هر کشور شرایط ایجاد جبهه متفاوت است ما این را مطالعه می کنیم که در شرایط مشخص وضع کنونی افغانستان، چه شکلی از جبهه ایجاد خواهد شد، و این به نیروهای ملی و وطنپرست تعلق دارد، که بین خود جلساتی دایر کنند، تبادل نظرهای صورت بگیرد که تا شکل جبهه مشخص شود.

لیکن این قطعی است که در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یک جبهه وسیع از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک، از لحاظ سیاسی، از افراد گرفته تا محافل و عناصر و گروه ها، سازمانها و حتی اگر احزابی هم بوجود میاید، به اساس یک پلاتفورم مشترک یعنی مرام مشترک برای ایجاد یک جامعه نوین افغانستان مستقل، مترقی، آزاد و یک جامعه دموکراتیک تشکیل خواهد شد، و همچنین تمام سازمانهای اجتماعی و توده یی بشمول سازمانهای مذهبی و دینی و روحانیون پاک نهاد و شریف و جامعه روحانیت در افغانستان، درین جبهه وسیع شرکت خواهد کرد.

**سوال نماینده کابل نیو تایمز :** به نظر شما چه چیزی در عقب این اعلام **جیمی کارتر** رئیس جمهور امریکا نهفته خواهد بود که حکومت **حفیظ الله امین** را حکومت قانونی افغانستان خواند؟

**جواب :** فکر میکنم که به این سوال شما در بیانیه که به مناسبت تجلیل از پانزدهمین سالگرد ح.د.خ.ا پخش شد، پاسخ داده شده باشد که چرا **کارتر** مقام ریاست جمهوری **حفیظ الله امین** را به اصطلاح قانونی می شناسد.

بیشتر توضیح کردم که ایجت ها و نماینده های ممثل امپریالیزم امریکا بنابر سیستم غیر انسانی خود گاهی هوشیاری خود را هم از دست میدهند، در حقیقت **کارتر** خود را شریک تمام جرم و جنایات **حفیظ الله امین** ساخت این خود یک سند بسیار معتبر و نیرومند است از افشای آن بسیار خوش هستم آنها تفتین و تحریک میکنند اگر مخالف منشور ملل متحد به اصطلاح مساله افغانستان را در شورای امنیت مطرح بسازند تریبون خوبی میبود که اگر شرایط مساعد میبود و من با آقای **کارتر** روبرو صحبت میکردم، و طومار جنایات ایجتش را می بردم و برایش نشان میدادم، که این حقوق بشر که امروز شعار آقای **کارتر** است، همین جنایات است؟ آیا این جنایات می تواند پایه یک حکومت به اصطلاح قانونی باشد؟ و باز مگر آنها از قانون انقلابها آگاهی ندارند؟ مگر وقتی اینها استقلال خود را از انگلیسها گرفتند، و یا هنگامیکه جنگ جنوب و شمال امریکا مشتعل شد کدام قانون اساسی وجود داشت که **(انقلاب)** امریکا را تسجیل کرده بود؟ مگر اینقدر آنها فهمیده نمیتوانند، که انقلابها از خود قانونمندی جداگانه دارد. در شرایط کشور آرام و صلح آمیز که قانون اساسی تدوین میشود در آن صورت ما میگوییم که این حکومت منتخب مردم است. لیکن در شرایط و اوضاع که وضع انقلابی در یک کشور بوجود می آید رژیم و نظام کهنه از بین میرود، خلق قیام

میکند، و یک حزب آزادیخواه مترقی در راسش قرار میگیرد و باز قدرت را به دست میگیرد این از خود قانون و قانونمندی علیحده دارد. هرکس که سواد سیاسی داشته باشد به ساده گی میتواند این مساله را تشخیص دهد. من خوش هستم که آقای **کارتر** حقیقت را افشا کرد و از **حفیظ الله امین** دفاع کرد و گفت که حکومت وی قانونی است لیکن در ماهیت امر **حفیظ الله امین** یک غاصب بینظیر تاریخ است. حکومت قانونی، حکومت رئیس جمهوری شاد روان **نور محمد تره کی** بود. از لحاظ قانونمندی انقلاب، رئیس جمهور قانونی افغانستان بود. هم اراده مردم وی را پذیرفته بود و هم رهبری حزب واحد دموکراتیک خلق حتی تمام کشور ها آنرا برسمیت شناخته بودند.

**امین** به زور سرنیزه یک رئیس جمهور قانونی را به شکل خائینانه ترور میکند این خود بیانگر روشن توطئه است او چطور میتواند رئیس جمهور قانونی باشد؟ خصلت نماینده های امپریالیزم است که نمیخواهند در برابر حقیقت سر سخت تسلیم شوند.

برای من کمال مسرت است که همیشه در ارتباط نزدیک با ژورنالیستان دوست و رفیق خود باشم و از طریق شما به تمام ژورنالیستان جهان پیام می فرستم، که در برابر سوالات شان من همیشه حاضرم که از شرف از آزادی از استقلال و از ناموس خلق و وطن خود دفاع کنم و جز حقیقت، حرف تبلیغاتی بشیوه عوام فریبی نخواهند شنید از دوستان و رفقای اتحاد شوروی و از نماینده جمهوری دموکراتیک المان متشکر هستم و امیدوارم که سلامهای برادرانه من را به نماینده گی از ح.د.خ.ا به نماینده گی از تمام مردم آزاد و پر افتخار افغانستان، به حزب، دولت و خلق های کشور های دوست ابلاغ کنید.

**\* تایپ کامپیوتری از : ع . ق . فضلی**

**\*\* تکیه ها از «اصالت» است.**

**\*\*\* هر نوع استفاده و نقل قول از «مصاحبه مطبوعاتی رفیق ببرک کارمل» صرف با ذکر منبع و**

**نام سایت «اصالت» مجاز است !**

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)